

به نام خدا

گزیده‌ی اشعار ابوالقاسم لاهوتی

مقدمه، شرح احوال و آثار لاهوتی و ویراستاری متن

یدالله عاطفی

به کوشش:

غلامحسین امیری

۱۳۸۳



✽ نام کتاب: گزیده اشعار ابوالقاسم لاهوتی
✽ به کوشش: غلامحسین امیری
✽ مقدمه و ویراستاری: استاد یدالله عاطفی (آشفته کرمانشاهی)
✽ ناشر: هرمز بیگلری
✽ حروفچینی: واحد کامپیوتری انتشارات کرمانشاه
✽ صفحه آرا و حروفنگار: اشرف ملکی
✽ چاپ: اول ۱۳۸۴
✽ تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
✽ قطع کتاب: وزیری ۲۳۲ ص
✽ قیمت: ۱۷۰۰ تومان
✽ شماره شابک: ۵-۵۰-۶۶۰۳-۹۶۴-ISBN:964-6603-50-5
حق چاپ برای گردآورنده محفوظ است

انتشارات کرمانشاه- چهار راه مدرس: پارکینگ شهرداری مقابل هتل راه کربلا - تلفن ۷۲۲۲۹۳۲

لاهوری، ابوالقاسم، ۱۲۶۶ - ۱۳۳۶

گزیده اشعار ابوالقاسم لاهوتی / به کوشش: غلامحسین امیری؛ مقدمه و ویراستاری
یدالله عاطفی (آشفته کرمانشاهی). - کرمانشاه: [کرمانشاه]، ۱۳۸۴.
۲۳۲ ص.

ISBN 964-6603-50-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

واژه نامه بصورت زیرنویس

کتابنامه بصورت زیرنویس

۱. شعر فارسی - قرن ۲.۱۴. لاهوتی، ابوالقاسم، ۱۲۶۴ - ۱۳۳۶ - سرگذشتنامه. الف.

امیری، غلامحسین، ۱۳۴۸ -، گردآورنده. ب. عاطفی، یدالله، ۱۳۲۳، ویراستار. ج. عنوان.

PIR

الف ۸ / ۸۱۹۵

۱۳۸۳

۱/۶۲ فا ۸

فهرست

صفحه	عنوان
۵	مقدمه‌ی ناشر
۶	اشاره‌ی مُصحّح و ویراستار
۷	مقدمه‌ی مؤلف
۱۰	پیش‌گفتار مُصحّح و ویراستار
۱۱	خاندان و خانواده‌ی لاهوتی
۱۲	الهامی، پدر لاهوتی
۱۳	تولد، کودکی و تحصیلات لاهوتی
۱۴	لاهورتی در تهران
۱۵	لاهورتی در تشکیلات ژاندارمری
۱۶	لاهورتی در ترکیه
۱۷	بازگشت لاهوتی به ایران و کودتای تبریز
۱۸	لاهورتی در کشور شوراها
۱۹	لاهورتی، شاعر، نویسنده و مترجم مبارز
۲۰	لاهورتی و اشعار مذهبی و عرفانی
۲۱	ساده‌گویی و مردمی بودن شعر لاهوتی
۲۲	میهن دوستی لاهوتی
۲۵	کتاب ساختگی «شرح زندگانی من»
۲۵	لاهورتی در عرصه‌ی شعر معاصر
۲۷	لاهورتی و شعر نو یا نوآوری در شعر فارسی
۲۸	آثار لاهوتی
۳۱	دیدگاه‌ها
۳۵	سروده‌ی آقای نصرت‌الله نوح شاعر معروف معاصر، به مناسبت درگذشت لاهوتی
۴۰	سروده‌ی آقای استاد سیدجلیل قریشی‌زاده (وفاکرمانشاهی) درباره‌ی لاهوتی
۴۱	منابع و مأخذ مقدمه

شماره‌ی غزل عنوان غزل صفحه

مطلع غزلیات

۴۲

۴۳

۴۳

۴۴

۴۴

۴۵

۴۵

۴۵

۴۶

۴۶

۴۷

۴۷

۴۸

۴۸

۴۹

۴۹

۵۰

۵۰

۵۱

۵۱

۵۲

۵۲

۵۳

من و پروانه و بلبل

عشق و آزادی

افسانه‌ی دل

داستان

از خاک به افلاک

بی وجود ما

دلبر تاجیکی

دشمن کام

گوهر سخن

خیال راه آهن

رسم دل

عید پنبه

کیفر درستی

یار با من است

بهترین‌ها

جانانه

بندگی در کار نیست

شتاب لازم نیست

کشور ویران

به موی تو قسم

هیچ نگفت

چشمات

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

نشستم دوش من با بلبل و پروانه در یکجا

دلم بسیار می‌خواهد ببینم دلبر خود را

پُرکرده‌ام از مهر تو پیمانه‌ی دل را

ایا صیاد شرمی گن مرنجان نیمه جانم را

بگریخت دل ز دستم، پیش تو، دیدی او را؟

ویران شود بنای جهان، بی وجود ما

شیخ، پیمان خود اندر سر پیمانه فروخت

غیر با من دشمن است و یار هم با من بد است

دل من خانه‌ی دلدار من است

اگر چه روزگار من سیاه است

از آن دمی که گیسوی تو، دام دل شده‌ست

باز هم یار، به رقص آمده است

فلک به جرم درستی، دل مرا بشکست

در این سفر، که آن بُت عیار با من است

عزیزم برگ گل خوب است، اما

یارم به وفاداری، جانانه‌ی مشهور است

زندگی آخر سر آید، بندگی در کار نیست

برای روی تو ای مه، نقاب لازم نیست

جانی نه و سری که به پایت نهاده نیست

در جان و دل از هر نگهت رخنه و راهیست

طیب، رنگ مرا خوب دید و هیچ نگفت

دلم را بی سبب آزرده و خستند چشمانت

مَطْلَعِ غَزَلِیَات	شماره‌ی غزل	عنوانِ غزل	صفحه
ناز است فقط کارِ تو با ما و دگر هیچ	۲۳	دگر هیچ	۵۳
کتاب و دفتر و درس و صحیفه‌ی استاد	۲۴	هر آن چه باداباد	۵۴
گر چرخ به کامِ ما نگرَدَد	۲۵	آزادگی	۵۴
بُتا، طراوتِ رویِ تو، آفتاب ندارد	۲۶	حرفِ بی‌جواب	۵۵
جُز عشق، جهان هُنر ندارد	۲۷	هُنرِ عشق	۵۵
سینه‌ی دهقان ز غُصه، آه ندارد	۲۸	حقِ نمک	۵۶
این آسمان نورد، به سویی تو می‌پُرد	۲۹	آهویِ هوایی	۵۶
با این همه بی‌مهریِ جانان چه توان کرد؟	۳۰	چه توان کرد	۵۷
ای کاشکی به عالم، تا چشم کار می‌کرد	۳۱	جمهوریِ دل	۵۸
با دلم دوش، سِرِ زلفِ تو بازی می‌کرد	۳۲	بنده نوازی	۵۸
قصرِ دارا که چنین پاک و مُنقش باشد	۳۳	صافیِ بی‌غش	۵۹
در این زمانه بسا کس بُود که سر بخشد	۳۴	شهادت	۵۹
بعدِ یک عمر در این خانه کسی پیدا شد	۳۵	فریاد رسی پیدا شد	۶۰
دو سِرِ زلفِ تو هر قدر که پیچانتر شد	۳۶	بی‌سِر و سامان	۶۰
به رغمِ غیر می‌کردی به من گر یک نظر، می‌شد	۳۷	زُمُوزِ عشق	۶۰
فقط سوزِ دلم را در جهان، پروانه می‌داند	۳۸	فقط جانانه می‌داند	۶۱
تو رفتی و تصویرِ تو در دیده‌ی من ماند	۳۹	تصویرِ تو	۶۱
اشکمِ اندر دیده و می در سببِ باقی نماند	۴۰	گفت و گو	۶۲
گر که شُورایِ خط و خالِ تو، امداد گُند	۴۱	تیشه‌ی فرهاد	۶۲
گفتگو از آشیان، صیادِ پیشم می‌گُند	۴۲	خاطرِ پریش	۶۳
با همه دل مُردگی، گریار، یارِ مائُود	۴۳	مالکِ جهان	۶۳
پروانه شب، به یادِ توام سوزد و رُود	۴۴	أصولِ سوختن	۶۳
جانا دلم که پیشِ تو چون بَرّه راحت است	۴۵	دوری از دلدار	۶۴

مَطْلَعِ غَزَلِیَّات	شماره‌ی غزل	عنوانِ غزل	صفحه
به او جان داده‌ام، جانان من، دیگر چه می‌خواهد	۴۶	دیگر چه می‌خواهد	۶۴
به شادی نغمه‌کش ای‌نی، نوایِ یار می‌آید	۴۷	صدایِ یار می‌آید	۶۵
به نامه‌ات وطنم را نوشته‌ای آزاد	۴۸	پاسخ به نامه‌ی رومن رولان	۶۵
گفت رشام از تو چون تصویر می‌باید کشید؟	۴۹	رشام و شاعر	۶۶
امروز در حضورِ جوانانِ موسفید	۵۰	جوانانِ موسفید	۶۶
گناه‌م چیست ای جانانه؟ می‌گویم، نمی‌گوید	۵۱	صدقِ من و جور تو	۶۷
بستند هم‌رهان، سویِ یار و دیار، بار	۵۲	آتشِ کاروان	۶۷
سلامِ صمیمی، ثنایِ مؤثر	۵۳	جسمِ مسافر	۶۸
دلا خاموش شو، ورنه کبابت می‌کنم آخر	۵۴	شریک انقلاب	۶۹
مردم اندر راهِ عشقش، یار می‌داند مگر	۵۵	زلفِ افسون‌کار	۶۹
عشق، یک دنیا شرّ دارد نمی‌دانی مگر؟	۵۶	خطرِ عشق	۶۹
شنیدستم غم را می‌خوری، این هم غمِ دیگر	۵۷	غمِ دیگر	۷۰
ای شمع ز دل، شعله برافروختن آموز	۵۸	در مدرسه‌ی عشق	۷۰
تبلبل از گنجِ قفس چون نظر افتد به منش	۵۹	عصمتِ عشق	۷۱
هر آن که در به دَرَم کرد از آشیانه‌ی خویش	۶۰	بِهانه‌ی جنگ	۷۱
قُربانِ روشنایی و نور و صفایِ شرق	۶۱	ای جان فدایِ شرق	۷۲
برخیز ز جایِ ای صَنَمِ شرق	۶۲	صنمِ شرقی	۷۲
در گُنفرائسِ صلحِ عمومی، به نامِ دل	۶۳	انتقامِ دل	۷۳
دشمنِ عشق است، من هم یار پیدا کرده‌ام	۶۴	خارِ مَرگان	۷۳
نشد یک لحظه از یادِ تِ جُدا دل	۶۵	مرحبا دل!	۷۴
آن دلبرِ افغان چه سلحشور بَرَد دل	۶۶	دلبرِ افغان	۷۴
تو رفتی و در سینه‌گره شد نفیسِ دل	۶۷	جَرَسِ دل	۷۵
چه کرده‌ام که ز جانانِ خود جُدا شده‌ام	۶۸	کشتیِ غم	۷۵

مَطْلَعِ غَزَلِیَات	شماره‌ی غزل	عنوانِ غزل	صفحه
خاطر آشفته، جگر سوخته، دلخون شده‌ام	۶۹	دیوانگی	۷۶
امروز به پیشِ یار رفتم	۷۰	شادی	۷۶
به راهِ عشق جان و دین و دل را همسفر بردم	۷۱	شرمساری عاشق	۷۶
هرجا ز حُسنِ رویِ تو در گفتگو شدم	۷۲	غُنچه‌ی خزان زده	۷۷
شب از گُل‌های آذربایجانی	۷۳	آواز جان	۷۷
صد ره در انتظارت، تا پُشتِ در دویدم	۷۴	شب تا سحر دویدم	۷۸
دستِ نِه بر سَرم که تب دارم	۷۵	با تو گپ دارم	۷۸
به غیر از این که در این روزگار، یار ندارم	۷۶	بی یار	۷۹
گُل آر که نیست چه غم، بستری زخار که دارم	۷۷	لاله‌ی داغدار	۷۹
ای که گفتی به فقیران و ضعیفان یارم	۷۸	یک دِلِه	۸۰
در پیشِ یارِ خویش، ز بیگانه کمترم	۷۹	کم بها	۸۰
ز شب تا بامدادان می‌گنم فریاد و می‌نالَم	۸۰	می‌نالَم	۸۱
بِتِ نازنینم، مِه مهربانم	۸۱	درسِ محبت	۸۱
گرفتارِ توأم، پُرسشِ کُن از حالِ پریشانم	۸۲	دل از مهرت نمی‌گیرم	۸۲
من نه آن مردم که از کیدِ فلک پروا کنم	۸۳	مُحتاجِ یاری	۸۲
کی باشد و کی رویِ تو را باز ببینم	۸۴	نرگسِ جادو	۸۳
ای خوش آن روزی که دنیا را درونِ خون ببینم	۸۵	فضایِ خون	۸۳
عاشقم، عاشق به رویت گر نمی‌دانی بدان	۸۶	گر نمی‌دانی بدان	۸۳
افغانِ مرا می‌شنوی ای بُتِ افغان؟	۸۷	پیرِ جوانان	۸۴
تاب از آتش، کس اگر دور تواند کردن	۸۸	پنجه‌ی عشق	۸۴
بیرون بیا ز پرده، بَدَر این حجابِ حُسن	۸۹	آفتابِ حُسن	۸۴
نگویمت که چنین کُن و یا چنانم کُن	۹۰	مُعجزه‌ی وصل	۸۵
ز مهر، بر رُخِ بیمارِ خود نگاهی کُن	۹۱	لُطفِ گاه گاه	۸۵

مطلع غزلیات	شماره‌ی غزل	عنوان غزل	صفحه
دستم شکسته است و لیکن دلم به جاست	۹۲	دستم شکسته است	۸۶
چنان می‌سوزم از عشقت که سوزد خانه هم از من	۹۳	بلبل بی‌لانه	۸۶
هرکس به جهان صاحب کاریست به جز من	۹۴	به جز من	۸۶
به روی سینه‌ی من دستگاه عکاسی	۹۵	عکس یار	۸۷
تو را در خود نهان دارد دل من	۹۶	بهار بی‌خزان	۸۷
ز دستت گر چه شد خونین دل من	۹۷	آمین	۸۷
عمری علم عشق برافراشته‌ام من	۹۸	از خویش گذشتن	۸۸
آتش اگر چه سوخت تن ناتوان من	۹۹	امتحان وفا	۸۸
از دست تو در آتش غم سوخت تن من	۱۰۰	رهبر مجنون	۸۹
نگارم گفت کی دارد بت فرزانه‌ای چون من؟	۱۰۱	بت فرزانه	۸۹
با یار کس نبود چنین مهربان که من	۱۰۲	محبت جانان	۹۰
بردار پرده‌ای صنم ماه روی من	۱۰۳	خنده‌ی رقیب	۹۰
من کارگر و تو دهقان، داد از تو و آه از من	۱۰۴	مُرغان گرفتار	۹۱
در دلم غم نیست تا جادوی تو	۱۰۵	روی شادی	۹۱
تنیده یاد تو، در تار و پودم، میهن ای میهن	۱۰۶	میهن ای میهن	۹۱
از هر گپ او تازه شود جان، چه گپ است این	۱۰۷	سبب هستی	۹۲
من خوانم و دل رقصد، بزم من و دل را بین	۱۰۸	در ملک وفاداری	۹۳
خبرداری که از غم آتشی افروختم بی‌تو؟	۱۰۹	درس وفا	۹۳
وطن ویرانه از یاراست یا اغیار، یا هردو؟	۱۱۰	یا این، یا آن، یا هردو	۹۴
تو یار مایی و با غیر پیمان می‌گنی؟ به به	۱۱۱	به به	۹۴
شدم در آتش عشقت کباب آهسته، آهسته	۱۱۲	آهسته، آهسته	۹۵
نکردی رحم و رفتی، خوب، تا بم را کجا بردی؟	۱۱۳	کجا بردی؟	۹۵
خونابه‌ی این سینه‌ام ای یار خجندی	۱۱۴	یار خجندی	۹۶

مطلع غزلیات	شماره‌ی غزل	عنوان غزل	صفحه
ای شادی حیات من ، ای ماه مشک موی -	۱۱۵	نام مرا بگوی	۹۶
می بینمت ، می بینمت ، روسوی زندان می روی	۱۱۶	با رسم مردان می روی	۹۷
چند غزل دیگر:			
عاشق شده‌ام، گناهم این است	۱۱۷	سرود کوهسار	۹۸
رو پسر جانم ز دشمن رو مگردان، بر نگرد	۱۱۸	سفارش مادر به پسرش	۹۸
باکم ز مرگ نیست، که خون می رود ز دل	۱۱۹	راز درون	۹۹
جان می دهد به من جان، آواز را ببینید	۱۲۰	اعجاز تبسم	۹۹
سُنبُل به هوای خوش طناز تو رقصد	۱۲۱	همه می رقصند	۱۰۰
تا پرتو خورشید به کوه و دمن افتد	۱۲۲	به وطنم	۱۰۱
خندان تر از این لعل تو یک گل به جهان نیست	۱۲۳	سوق محبت	۱۰۱
از خانه گنم یاد که پیمان من آن جاست	۱۲۴	سرو سامان	۱۰۱
نیاز گس نپذیرد همیشه ناز گنی	۱۲۵	دلا زار	۱۰۲
همت کنید ای دوستان، دشمن به میدان آمده	۱۲۶	جلاد انسان	۱۰۲
به رویت گفته‌ام خُست چو ماه است	۱۲۷	گناه	۱۰۳
کارش همه ناز است چنین یار ، که دارد؟	۱۲۸	عاشق وفادار	۱۰۳
زمین و آسمان را اگر بکابم	۱۲۹	ملک عشق	۱۰۴
قصاید	شماره‌ی قصیده	عنوان قصیده	صفحه
تنها نه من ادیب سخندانم	۱	مبارز	۱۰۵
تا چند کنی گریه برمَسند نوشروان	۲	کاخ کرمَل	۱۰۷

صفحه

شماره‌های اشعار مذهبی	عنوان	۱۱۱	اشعار مذهبی و عرفانی
۱	ترجیع‌بند در توحید	۱۱۲	کن تماشا به چشم وجدانی
۲	قصیده در نعت حضرت محمد (ص)	۱۲۰	عرش خدادار شب وصال محمد (ص)
۳	ترجیع‌بند در وصف حضرت علی (ع)	۱۲۱	ای همه خوبان جهان عاشقت

صفحه

شماره‌ی مثنوی‌ها	عنوان مثنوی‌ها	۱۲۹	مثنوی‌ها
۱	شمع و پروانه	۱۳۰	شبی پروانه‌ای با شمع می‌گفت
۲	معنی آدم	۱۳۱	شاد بمان ای هنری رنجبر
۳	شیرو سگ (تقدیم به ما کسیم گورکی)	۱۳۲	به خردی به بازار کرمانشاهان
۴	پری بخت	۱۳۳	تلخ بُد، تلخ، زندگانی من
۵	شمشیر فاتح	۱۳۴	شنیدم که مردی به مردی بزرگ
۶	پاسخ به اغواگران	۱۳۸	بشد با مرد مشهوری، در ایران
۷	خر و تراکتور	۱۴۰	یکی از صاحبان ثروت و جاه
۸	سفر فرنگستان	۱۴۲	چو از آخر خاکِ دنیای کار
۹	خر همان خراست	۱۴۹	فقیری خری، پیر و تنبل داشت
۱۰	جوانی ما	۱۴۹	شنیدم که آشفته مردی جوان
۱۱	حال دلم	۱۵۱	پزشک من، شفیق و مهربانست
۱۲	به خلقِ لاتیش	۱۵۲	هست بین مردمِ ایران من
۱۳	به شاعرِ نابینا	۱۵۳	شنیدم گفت پروانه به جمعی
۱۴	آشیان بلبلان	۱۵۵	دیدم اندر یک چمن، یک آشیان

۱۵۶

رباعی‌ها

دوبیتی‌ها

۱۶۴

۱۶۵ - ۱۷۲

چهل و هفت دوبیتی

قطعات

۱۷۳

۱۷۴ - ۱۷۷

پانزده قطعه

شعر نو	شماره شعر نو	عنوان شعر نو	۱۷۸
به دقت بشنوید ای نور چشمان	۱	میهن من	۱۷۹
دور از رخت سراي درد است خانه‌ی من	۲	خورشید من	۱۸۲
دل را ببین، دل را ببین	۳	دل را ببین	۱۸۳
موسفید پهلوان، پهلوان، جاودان	۴	بانگ ایران کهن	۱۸۴
خَطّت جانا برای من ظفر شد	۵	به برادر عزیزم عبدالحسین الهامی	۱۸۶
در غمِ آشیانه پیر شدم	۶	مراجعت به ایران	۱۸۷
از زردی رخ، لرزش تن، جنبش قلبش	۷	در کارخانه	۱۸۸
ای برده دل و ربوده هوشم	۸	ای برده دل و ...	۱۸۹
در فراقِ گلِ خود ای بلبل	۹	به شمس کسمایی	۱۹۱
ای یار عزیز و جان شیرین	۱۰	نامه	۱۹۱

شعر کردی - مشاعره

۱۹۴

۱۹۵

۱۹۶

۱۹۸

۱۹۹

۲۰۰

۲۰۰

در جواب سلیمان خان زنگنه، موسی نارنجی

مشاعره‌ی سیدالدوله و لاهوتی خان

عنوان

شماره

بیادر کر بلا

آتش دوزخ

گیسوی کوتاه شده

افتخار شخص، نطق و کلامن

گشت مرا تغافل، دی که شدی دچار من

بدیهه‌ها

بیا در کر بلا محشر ببین، کین گستری بنگر

داد درویشی از ره تمهید

دلَم در چین زلفت خانه‌ای داشت

بدیه‌ها	شماره	عنوان	صفحه
شب در دل دشت بودم و دامن ماه	۴	فردای دیدار	۲۰۱
دلدار مرا زمن ملالیست مگر؟	۵	ساعت‌های انتظار	۲۰۱
ای لعبتِ فرزانه بیا دیگر تو	۶	پس از انتظار بی حاصل	۲۰۱
یک دکترِ مُسَلِم، دو مسیحی، سه یهود	۷	سجودِ توانگر	۲۰۱
تبریک تو بایست گنم با دل و جان	۸	تبریک از راه	۲۰۲
دل باز تنم در تب و تاب افکنده	۹	در حمامِ نارزان	۲۰۲
چشم و گوش کسی ای ماه، نه دید و نه شنید	۱۰	شبِ هجران	۲۰۲
دوشینه به کوی یار، بنشستم	۱۱	سایه‌ی مُو	۲۰۳
با یاد تو خوابم بُرد، در خواب تو را دیدم	۱۲	تو را دیدم	۲۰۳
دلبری شوخ، در سانا توریم	۱۳	آتش و آهن	۲۰۳
هر کس بنهد برایِ فرزند	۱۴	ارثِ جهان	۲۰۴
با لب نازک نگار، دست مرا می‌گزد	۱۵	مُرده مگر دل؟	۲۰۴
لاله‌ها از اوّل سیه بودند	۱۶	لاله‌ی سیاه	۲۰۵
بارانِ اشک، بر رُخِ آن ماهپاره ریخت	۱۷	بارانِ اشک	۲۰۵
دلدار به من نامه و پیغام فرستاد	۱۸	نامه‌ی دلدار	۲۰۶
دیدم اِلَهام شاعری، دیروز	۱۹	اِلَهام و عَصا	۲۰۷
ترجمه‌ها	شماره	عنوان	۲۰۸
چون جان به بر کشیدش و بدرود کرد و گفت	۱	بزرگی بی مرگ و بی مثال	۲۰۹
رزم‌آوران سنگرِ خونین شدند اسیر	۲	سنگرِ خونین و یکتور هوگو	۲۱۰
رویِ هامون بحرِ سَرسفید	۳	سرود پیکِ توفانِ ماکسیم گورکی	۲۱۲
فرزندانی هر مِلّت، ما به امید صلح زنده‌ایم	۴	سرود جوانان، ل. آشانین	۲۱۵

بیت‌ها و مفردات

۲۱۸
 ۲۱۹-۲۲۲ سی و پنج، مطلع، بیت و تک بیت

مقدمه‌ی ناشر

کتاب حاضر که در واقع، مُنتخبی از اشعار مرحوم ابوالقاسم لاهوتی است به وسیله‌ی دوست فرزانه و عزیزم جناب آقای غلامحسین امیری تهیه و جهت چاپ به این مؤسسه ارجاع گردید.

پس از بررسی و ضمن مطالعه ملاحظه گردید از لحاظ ویراستاری و خصوصاً زندگی نامه، این شاعر بلند پایه نیاز به مقدمه‌ای صحیح و گویا در خصوص زندگی این شاعر کرمانشاهی دارد لذا بنا به درخواست مؤلف، اینجانب از استاد محترم و متعهد شهرمان جناب آقای یدالله عاطفی تقاضا نمودم که این مهم را منت نهند و این کار را به انجام برسانند. و علاوه بر تصحیح اشعار مذکور، تحقیقی در زندگی نامه‌ی مرحوم لاهوتی به عمل آورند که در مقدمه‌ای جداگانه و نسبتاً مفصل به خوانندگان ارجمند تقدیم شود.

متأسفانه چندی نگذشت که پدر گرامی جناب آقای یدالله عاطفی زندگانی را بدرود گفتند، با وجود تألمات روحی ایشان و شرکت انبوه همشهریان در مراسم سوگواری آن مرحوم، ایشان با سعه‌ی صدر و در نهایت دقت و جدیت قبول رحمت فرموده و نسبت به تصحیح اشعار و تدوین آنها خصوصاً تهیه‌ی مقدمه‌ی بسیار زیبا و وزینی که (به علل فوق، خارج از انتظار بود) همت گماشتند ضمن عرض تسلیت مجدد به جناب آقای استاد یدالله عاطفی و خانواده محترمشان توفیق روزافزون این دوست بسیار عزیز و خدمتگزار به فرهنگ شهر و دیارمان را از درگاه خداوند متان، مسئلت می‌نماییم.

اشاره

دوستِ مهربان و فاضلِ بنده، آقای غلامحسین امیری، با عزم و اراده‌ای محکم و علاقه‌مندی و پشتکاری مداوم کوشیده و مجموعه‌ای از اشعار شاعر نامدار، ابوالقاسم لاهوتی کرمانشاهی را فراهم آورده است.

از آن جا که ایشان و نویسنده‌ی محترم جناب آقای هرمز بیگلری مدیرِ ارجمند انتشارات کرمانشاه بضاعتِ ادبیِ ناچیز بنده‌ی هیچِ مدان را با چشمِ لطف و حُسنِ ظَنّ نگریسته و به قول معروف: ده کوره‌ی علی‌آباد را، شهری انگاشته‌اند؛ با مراجعه کردن‌های مکرر و تلفن‌های پیایی، اصرار داشتند که این کمترین، خامه‌ی ناتوان را به جولان درآورم و مطلبی درباره‌ی لاهوتی، زندگی و آثارش بنویسم و ویراستاری کاملِ مجموعه‌ی یاد شده را نیز، به عهده بگیرم.

با وجودی که سه چهار ماه است سوگوار درگذشت پدرِ بزرگوارم هستم و ماتم زده و خاموش به گنجِ خانه پناه برده‌ام و دل و دماغِ هیچ کاری را نداشته و ندارم، نتوانستم خواسته‌ی این عزیزان را ندیده بگیرم، به ناچار پذیرفتم و پس از گردآوری منابع و مآخذِ مورد نیاز، به نگارشِ شرحِ مختصر احوال و آثارِ لاهوتی پرداختم و حاصلِ کار، همین مقاله‌ی ناچیز است که ملاحظه می‌فرمایید.

اگر در این نوشته و یا در ویراستاریِ کتاب، دچار اشتباهی شده‌ام یا لغزش و ناصوابی از قلمم سرزده است، امید دارم که بزرگانِ شعر و ادب و پژوهشگرانِ نکته یاب، از آنها، کریمانه درگذرند.

یدالله عاطفی - کرمانشاه - ۳۰ شهریور ۱۳۸۲

مقدمه‌ی مؤلف

ستایش می‌کنم ایزد یکتا را و بانیایش روی می‌آورم به درگاه پاک او که مرا یاری داد تا با کمی بضاعت علمی و ادبی به گردآوری این گزیده توفیق یابم و مختصری از اشعار گران سنگ لاهوتی خان را به ادب دوستان ایران و به ویژه همشهریان آزاده‌ی کرمانشاهی تقدیم کنم.

به حق با وجود اساتید بزرگوار و فرهیختگان شعر و ادب، بنده‌ی ناچیز کم دانش چیزی ندارم که برای شناساندن لاهوتی خان قلمی کنم.

شرح مجموعه‌ی گل مرغِ سحر داند و بس که نه هر کاو ورقی خواند، معانی دانست زمانی که توفیق زیارت حضرت استاد سیدجلیل قریشی زاده «وفا کرمانشاهی» دست داد موضوع گردآوری گزیده‌ای از اشعار ابوالقاسم لاهوتی را با ایشان در میان گذاردم، بسیار خوشحال شدند و مرا به این امر تشویق و ترغیب کردند، از آن پس نسبت به نسخه‌برداری از دو دیوان اشعار لاهوتی که اولی چاپ مسکو و دو دیگر کلیات لاهوتی به کوشش جناب بهروز مشیری بود پرداختم در حین استنساخ از دو دیوان یاد شده به جستجوی بستگان لاهوتی خان چه با شناسنامه‌ی الهامی و چه با شناسنامه‌ی لاهوتی برآمدم که پس از کوشش فراوان شماره‌ی تلفن و آدرس زنده یاد جناب مهندس فریدون الهامی فرزند مرحوم دکتر عبدالحسین الهامی، رئیس اسبق بهداری استان کرمانشاهان (برادر لاهوتی خان) را یافتم و به حضور ایشان رسیدم و پس از آگاه شدن از تصمیم بنده مشتاقانه با وجود کسالت شدیدی که داشتند، تعدادی عکس نفیس و دیوانی از اشعار آن مرحوم را که به وسیله‌ی آقای احمد بشیری گردآوری شده بود در اختیار حقیر نهادند، از آن پس کار مقابله‌ی اشعار گزیده شده‌ی قبلی با اشعار کتاب اخیر از سر گرفته شد ولی متأسفانه در اواسط کار به دلایلی کتاب یاد شده به ایشان، عودت داده شد و کار مقابله و تدوین مقدمه به تعویق افتاد، لیک لطف دوست بزرگوارم جناب آقای مصطفی امیدیان که موجب زیارت استاد یدالله عاطفی «آشفته» گردید شامل حال حقیر شد و پس از آگاهی از موضوع، ایشان نیز با کمال فروتنی و بدون هیچ عذر و منّتی، کتاب دیوان لاهوتی به کوشش احمد

بشیری را در اختیار بنده نهادند و کار مُقابلهِ و نگاشتنِ مقدمه از سرگرفته شد.

برای نگاشتنِ مقدمه با توجه به اینکه مکتوبهایی که در آن به زندگی و آثار مرحومِ لاهوتی خان پرداخته شده باشد پراکنده و اکثراً نایاب می‌باشند و با عنایت به برخورداری جنابِ احمد بشیری از نعمتِ دوستانی نظیر یحیی آرین‌پور، اسماعیل رایین و علامه محمدحسین جلیلی «بیدارکرمانشاهی» و مزید بر این دسترسی به اسناد و مدارکِ مُستند موجب و رجاوندیِ مقدمه‌ی کتاب ایشان گردیده است بر آن شدم که از مقدمه‌ی کتابِ مزبور استفاده کنم که پس از مشورت با مدیرِ محترمِ انتشارات کرمانشاه، منجر به این شد که با اصرار و خواهشهایِ مکرر از استادِ یدالله عاطفی خواسته شد که زحمتِ تدوینِ مقدمه و شرحِ حال را نیز ایشان متحمل گردند که بارِ دیگر با سعه‌ی صدر و گشاده‌رویی و با تمامیِ گرفتاریِ کاری از قبیلِ تدریس، تحقیق و پژوهش، پذیرفتند که علاوه بر تصحیح و ویراستاریِ متن، تدوینِ مقدمه را نیز به عهده بگیرند. در حینِ تدوینِ مقدمه، ابویِ ارجمندِ ایشان به رحمتِ ایزدی پیوست و با وجودِ تألمات و درهم ریختگی‌هایِ روحی، با لطفی زایدالوصف و با این که مُدّت کوتاهی از فقدانِ آن فقیدِ سعید نگذشته بود مقدمه را به نحوی شایسته به رشته‌ی تحریر درآورده و آماده‌ی چاپ نمودند که این امر بیش از پیش مرا شرمسار و رهینِ مَنّتِ آن بزرگوار کرد. گفتنی است یکی از ویژگی‌هایِ این مقدمه، بررسی بیش از بیست و چهار عنوان کتاب، نشریه، مقاله و ... است که در آنها به زندگی و آثارِ لاهوتی خان اشاره شده و به شیوه‌ای جدید و به دور از تکرار، تدوین شده است.

به هر حال گزیده‌ای که پیش رو دارید حاصلِ مُقابلهِ تمامِ دواوینی است که به آنها دسترسی پیدا کرده‌ام و امید است که این کارِ کوچک، باری بزرگ داشته باشد و بتواند نسلِ جوان امروز را با منش، بینش و آثارِ لاهوتی خان آشنا کند. در ضمن یک نمونه شعرِ گردیِ ایشان از مجلدِ سومِ حدیقه‌ی سلطانی، اثرِ ارزشمندِ پژوهشگرِ ارزنده‌ی کرمانشاهی، جنابِ محمدعلی سلطانی در این گزیده آورده شده است.

در این راه، از بزرگواریِ دوست با فرهنگ و مهربان و محقق و پژوهشگر با نژاده‌ی کرمانشاهی جناب آقای هُرمز بیگلری که در پی آگاهی از تصمیم بنده، دلخواهانه به یاری‌ام شتافت و زحمت چاپ کتاب را به دوش کشید، از ژرفای دل سپاسدارم و بزرگواری‌اش را در این راه می‌بتایم.

از استاد و سرور بزرگوارم جناب سید جلیل قریشی زاده «وفاکرمانشاهی» که این آتش را در جان من شعله‌ور نمود نهایت سپاس و امتنان را دارم و طولِ عمر و تندرستیِ آن گرانقدر مهربان را از ایزد یکتا خواستارم، نیز از استاد گرانقدر جناب یدالله عاطفی که نخست کتاب گران سنگ لاهوتی را در اختیارم نهاد و دیگر این که زحمت تصحیح اشعار و ویراستاری کتاب و نوشتن مقدمه و شرح احوال و آثار لاهوتی‌خان را بر عهده داشتند، مجدداً سپاسگزاری می‌کنم و فروغمندیِ آن عزیز گرانقدر را از ایزد یکتا خواستارم.

در حقیقت باید بگویم که شانهم زیر بار منت تمامی این عزیزان است.
در آخر لازم است از بزرگان و آثارشان که در این راه گام‌های استوار برداشته و سالها زحمت کشیده و آثاری جاودان از خویش بر جای نهاده‌اند و بنده نیز از آن منابع بهره‌های فراوان برده‌ام سپاسگزاری کنم و یادشان را گرامی دارم:

۱ - کلیات لاهوتی به کوشش بهروز مشیری

۲ - دیوان لاهوتی به کوشش احمد بشیری

۳ - باغ هزار گل «تذکره‌ی شعرای کرمانشاه» به کوشش فرشید یوسفی

۴ - مجلد سوم حدیقه‌ی سلطانی به کوشش محمدعلی سلطانی

۵ - تذکره‌ی مختصر شعرای کرمانشاه به کوشش مرحوم باقر شاکری

هیچ اگر سایه‌پذیرد من همان سایه‌ی هیچم

با درود و بدرود

غلامحسین امیری

۱۵/ شهریور/ ۸۲

پیش‌گفتار

به نام خدایوند پیش طراز جهان‌داور آفرینش طراز
که نامش بود زیور نامه‌ها سخن را ازو گرم، هنگامه‌ها

«الهامی»

شناخت بیشتر و بهتر لاهوتی و اشعارش و تأثیری که در ادب و فرهنگ معاصر داشته، مستلزم آن است که کم و بیش و تا حدی که میسر باشد، نگاهی بیندازیم به اوضاع و احوال تاریخی، اجتماعی و ادبی زمانه‌ی او و محیطی که در آن پرورش یافته و بالیده است.

روزگار مورد نظر ما، مصادف است با اواخر دوره‌ی قاجاریه و طلیعه‌ی نهضت مشروطیت که از پُر حادثه‌ترین دورانهای تاریخی و ادبی ایران است و تحولات فکری، علمی و ادبی صد سال اخیر، در این دوران، پایه و مایه گرفته‌اند.

تحولاتی سریع و تأثیرگذار، زمینه‌ساز آزادی خواهی، تأسیس «عدالت خانه» و در نهایت «قیام مشروطیت» شد که فهرست وار به برخی از آن انگیزه‌ها می‌توان اشاره کرد و گذشت: انقلاب صنعتی اروپا، انقلاب کبیر فرانسه، روابط دیپلماتیک و رفت و آمد اروپاییان به ایران و بالعکس، تحصیل جوانان ایرانی در اروپا^(۱) و آشنایی با فرهنگ و تمدن مغرب زمین، نشر روزنامه‌های آزادی‌خواه در ایران و همسایگان آن، وجود حکام ستمگر و بی‌خبر از امور کشورداری، فشار و زورگویی مأموران حکومت و مباحثان خان‌ها و زمین‌داران بزرگ، به مردم مظلوم و تهیدست و صدها انگیزه‌ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دیگر که بر شمردن و بازکردن آنها، تکرار مکررات است و از حوصله‌ی این نوشته خارج.

در این دوره، چنان که اشاره کردیم، رجال مملکت، سرمایه‌داران و خان‌ها به کمک و یاری

۱ - در این زمینه نگاه کنید به مقاله‌ی خوب و خواندنی «نخستین کاروان معرفت» نوشته‌ی استاد مجتبی مینوی در

مجله‌ی «یغما» سال ششم شماره‌های ۹ - ۸ - ۷ - ۶ - ۵: سال ۱۳۳۲ خورشیدی